| بسمه تعالی | سوالات آزمون نوبت اول/ دوره دوم متوسطه / ادبیات فارسی پایه ی دوازدهم/ دبیرستان دخترانه مهرپویا/ تاریخ امتحان:۱۴۰۲/۱۰/۰۴ | |
|---|---|---|
| نام و نام خانوادگی: ..... | مدت آزمون: ۸۰ دقیقه | تعداد صفحه:۲ |
| اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی /ناحیه ۳ تبریز | | دبیر: |

| ردیف | | بارم |
|---|---|---|
| ۱ | در مصرع های زیر معنای واژگان مشخص شده را بنویسید:<br>الف) نتوان **شبه** تو گفتن که تو در فهم نگنجی. ۵/.<br>ب ) خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.۵/.<br>ج ) اما همه میدانیم که دولت **مستعجل** بود.۵/.<br>د ) چشمه ی آبی که در **تموز** بیرون می آید.۵/. | ۲ |
| ۲ | از میان واژگان داخل پرانتز واژه ی صحیح از لحاظ املای را مشخص کنید.<br>الف ) از دل ارگ ( مزینان/ مذینان) سربر می آورد. ۵/.<br>ب) آن جا ( محد / مهد ) دموکراسی عالم بود. ۵/.<br>ج ) محبت چون به ( غایت/ غایط) رسد .۵/.<br>د ) سینه خواهم شرحه شرحه از ( فراغ/ فراق). ۵/. | ۲ |
| ۳ | در کدام یک از ابیات زیر آرایه ی اسلوب معادله وجود دارد؟<br>الف) آتش است این بانگ نای و نیست باد / هر که این آتش ندارد نیست باد ◯<br>ب ) محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست ◯<br>ج ) درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام ◯<br>د ) نی حریف هرکه از یاری برید / پرده هایش پرده های ما در ید ◯ | ۰/۵ |
| ۴ | در هر کدام از ابیات زیر دو مورد آرایه ی ادبی مشخص کنید:<br>الف ) هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / بازجوید روزگار وصل خویش<br>ب ) در عالم پیر هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خود سودایی است<br>ج ) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی / مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند<br>د ) بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز هم این نژاد و پیوند | ۲ |
| ۵ | در قسمت های مشخص شده نقش دستوری را مشخص کنید :<br>الف )نروم جز به همان ره که **توام** راهنمایی.(۱)<br>ب ) عشق حقیقی **دل و جان** را **پاک** میگرداند .(۱)<br>ج ) هر سال تابستان را به **اصل خود** برمی‌گشتیم.(۱) | ۳ |

www.kanoon.ir

| | | |
|---|---|---|
| ۶ | معنای ابیات و متون زیر را به نثر روان بنویسید.<br>الف)آن شب نیز من خودم را روی پشت بام گذاشته بودم وبه نظاره‌ی آسمان رفته بودم. (۱)<br>ب ) دیوار های کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه های آن باقی است، حکایت از روزگاران گذشته دارد.(۱)<br>ج ) محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.(۱)<br>د ) هرکه جز ماهی ز آبش سیر شد هر که بی روزی است روزش دیر شد(۱)<br>ه ) گر آتش دل نهفته داری سوزد جانت به جانت سوگند(۱)<br>و ) خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است (۱)<br>ز )گفت آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه گفت در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست(۱) | ۶ |
| ۸ | در درس (**در حقیقت عشق**) سهروردی شرط دست یابی به عالم عشق را چه چیزی میداند؟ | /۵. |
| ۹ | مقصود مولوی از **نی** و **نیستان** در شعر نی نامه چیست؟ | ۱ |
| ۱۰ | نویسندگان آثار زیر را بنویسید:<br>الف) تمهیدات: مثل درخت در شب باران:<br>ب ) از پاریز تا پاریس: کویر: | ۲ |
| ۱۱ | ابیات زیر را کامل کنید:<br>الف ) باز آ که در هوایت هوایت خاموشی جنونم .....<br>ب ) گر در سرت ..... باید که خاک درگه ..... | ۱ |
| | یا به اندازه‌ی بزرگی آرزو هایت تلاش کن، یا به اندازه‌ی بزرگی تلاشت آرزو کن. طراح سوال : اخگری | ۲۰ |